صفحه‌آرا: مجید اصغری

دستاورد راهبردی جنگ ۴۰ روزه

سردار سیدمجید ابن‌الرضا، سرپرست وزارت دفاع، تحول در نگاه کشور به فناوری را از مهم‌ترین دستاوردهای جنگ اخیر دانست و گفت: تولید موشک، پهپاد و سایر تجهیزات مورد نیاز نیروهای مسلح در طول جنگ نه‌تنها متوقف نشد بلکه در برخی حوزه‌ها چند برابر افزایش یافت./ایرنا

خبرهایی که نمی‌بینید

گرفتاری کاخ سفید در برابر ایران

نشریه آلمانی «دی ولت» در گزارشی با تأکید بر اینکه مسیر جنگ با ایران در میان مردم آمریکا محبوب نیست، نوشت: در کاخ سفید، هیچ‌کس، نه رئیس‌جمهور آمریکا و نه معاون او که تلاش کرد خود را حامی صلح نشان دهد، نمی‌دانند چگونه باید به جنگ علیه ایران پایان دهند./ایسنا

نسخه برجام را غربگراها، این‌بار برای تنگه‌هرمز پیچیده‌اند

باز هم «بدیم بره؟!»

رهبر انقلاب: تنگه‌هرمز و خلیج‌فارس فراتر از یک پهنه آبی که بخشی از هویت و تمدن‌ماست

گزارش

محمدمهدی اسکندری | روزنامه‌نگار | در شرایطی که طی روزهای اخیر برخی از شهرهای ایران، به‌ویژه در خطوط ساحلی جنوب کشور، درگیر حملات سنگین آمریکا با هدف تضعیف توان راهبردی ایران در تنگه‌هرمز هستند، عده‌ای همچنان با نادیده گرفتن واقعیت‌های میدانی و ژئوپلیتیک موجود، بر کنار گذاشتن این ظرفیت حیاتی اصرار دارند. چنین رویکردهایی در قبال یکی از مهم‌ترین اهرم‌های قدرت ایران، در حالی است که تجربه سال‌های اخیر نشان داده تنگه‌هرمز نه تنها یک گذرگاه راهبردی انرژی بلکه از مهم‌ترین اهرم‌های بازدارندگی ایران در برابر فشارهای خارجی به شمار می‌رود؛ اهرمی که نسخه‌پیچی برای کنار گذاشتن آن، حتی زمینه‌ساز بروز شک و شبهه‌هایی در افکارعمومی درباره نیت گویندگان شده است. منتقدان چنین نسخه‌هایی، بر این اعتقادند افرادی که از حذف این برگ برنده راهبردی سخن می‌گویند، عملاً نسخه‌ای تجویز می‌کنند که نتیجه‌ای جز کاهش قدرت چانه‌زنی، تضعیف بازدارندگی و ارسال پیام ضعف به طرف‌های مقابل ندارد. این در حالی است که رهبر معظم انقلاب در پیامی به مناسبت روز خلیج‌فارس تأکید کردند: تنگه‌هرمز و خلیج‌فارس فراتر از یک پهنه آبی که بخشی از هویت و تمدن‌ماست.

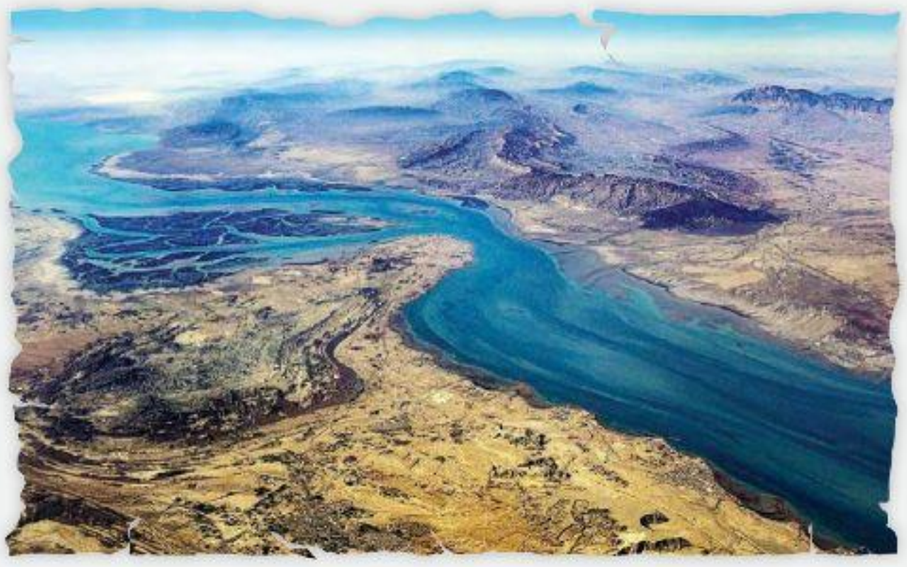

» اهمیت راهبردی تنگه‌هرمز

تلاش برخی برای کم‌اهمیت جلوه دادن اهرم تنگه‌هرمز در دست ایران در شرایطی است که این آبراهه بین‌المللی به دلایل چندوجهی، اهمیت ویژه‌ای برای ایران دارد، آن‌هم پس از تحمیل دو جنگ که زمینه‌ساز تغییر بسیاری از معادلات شد.

» مهم‌ترین اهرم ژئوپلیتیکی ایران

- در روابط بین‌الملل، جغرافیا به‌مثابه یک ابزار قدرت راهبردی عمل می‌کند.
- موقعیت ایران در شمال تنگه‌هرمز، آن را به یکی از بازیگران اصلی امنیت این آبراه تبدیل کرده‌است.
- تحولات این منطقه، از اهمیت ویژه‌ای برای قدرت‌های جهانی برخوردار است.
- تنگه هرمز جایگاه ایران را در معادلات امنیتی منطقه تقویت کرده‌است.

چشم‌پوشی بر یک اهرم قدرت راهبردی

پس از آغاز جنگ تحمیلی سوم در ۹ اسفندماه ۱۴۰۴ و به‌دنبال آن، بسته شدن تنگه‌هرمز از سوی ایران، تاکنون در مقاطع مختلف شاهد طرح ایده‌هایی از سوی برخی بوده‌ایم که محور آن، چشم‌پوشی از یکی از مهم‌ترین ابزارهای افزایش قدرت چانه‌زنی ایران در میانه سنگین‌ترین فشارهای خارجی بوده است.

۱

تنگه هرمز؛ یک اهرم شکننده؟

دیدگاه: محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه در دولت‌های یازدهم و دوازدهم

منبع: مقاله ۲۹ تیرماه در نشریه آمریکایی «فارز افرز»

محورها:

- اهرمی که تنگه برای ایران فراهم می‌کند، شکننده است.
- تهدید رفت‌وآمد دریایی از سوی ایران می‌تواند بخش عمده‌ای از جهان را علیه ایران بسیج کند.
- بسته ماندن مستمر تنگه به تسریع سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی در خطوط لوله، بنادر و کریدورهای لجستیکی زمینی منجر می‌شود.
- تهران باید خویشتن‌داری پیشه کند.

۲

تنگه هرمز را رها کنید!

دیدگاه: ناصر هادیان، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

منبع: گفت‌وگوی ۲۰ تیرماه با پایگاه خبری «انتخاب»

محورها:

- ول کنید ماجرای مدیریت تنگه هرمز را؛ ما آنجا حاکمیت داریم.
- ما هیچ کاری نباید بکنیم؛ ما فقط باید بگوییم آقا تنگه هرمز، مثل قبل.
- در ۴۰۰ سال اخیر، شاید ما در چنین موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی نبوده‌ایم و این تنگه بسیار عامل مهمی است.
- ما این را به‌دست آوردیم، اما نگرانی من این است که با رویکرد جدیدمان، آن را از دست بدهیم.
- بحث مدیریت و درآمدزایی تنگه‌هرمز بیراهه است؛ مدیریت کنیم که چه بشود؟ چه منفعتی دارد؟ فقط دردسر است.
- مدیریت فقط موجب می‌شود خیلی‌ها را علیه خودمان کنیم، از جمله کشورهای منطقه و خیلی‌ها در دنیا و حتی دوستان‌مان.

۳

تنگه هرمز را حیثیتی نکنید!

دیدگاه: حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست‌خارجی مجلس در دوره دهم

منبع: گفت‌وگوی ۲۹ تیرماه با پایگاه «اقتصاد نیوز»

محورها:

- آمریکا به‌دنبال «خلع قدرت ایران» در تنگه هرمز است.
- ایران می‌توانست از موقعیت طبیعی خود در تنگه هرمز در چارچوب دیپلماسی بهره ببرد.
- برخی جریان‌ها با برجسته کردن موضوع تنگه‌هرمز، عملاً همه بندهای تفاهم را تحت‌الشعاع قرار دادند.
- تبدیل این مسئله به موضوعی حیثیتی، سبب نظامی‌تر شدن منطقه و تقویت اجماع کشورها برای اجرای طرح‌های جایگزین آمریکا و عمان شد.
- نحوه برخورد با موضوع هرمز موجب «مجاله شدن» تفاهم شد.

رهایی تنگه هرمز یعنی دادن کلید خانه به غریبه‌ها!

مهدی طلوع‌وند، کارشناس مسائل نظامی و سیاسی

- اصولا تنگه هرمز با توجه به نقش و جایگاهی که دارد به‌عنوان خاک ایران شناخته می‌شود. از این‌رو برخی از افرادی که می‌گویند ایران از موضعش در قبال تنگه هرمز عقب‌نشینی کند و آن را رها سازد مثل این می‌ماند که فردی کلید خانه خودش را به یک غریبه واگذار کند.
- این نشان‌دهنده آن است که از لحاظ سیاست جغرافیایی تنگه هرمز چه اهمیتی برای ایران و نظام جمهوری اسلامی دارد.
- اینکه برخی می‌گویند تنگه هرمز را بدهیم برود از آن روست که این افراد از سر بیکاری و بی‌عاریشان در قبال ایران چنین موضعی می‌گیرند وگرنه کسی که امنیت ایران برایش اهمیت داشته باشد چنین نمی‌گوید.
- تنگه هرمز آب بین‌المللی نیست، بلکه آبراه‌های بین‌المللی تحت حاکمیت ایران است و آمریکایی‌ها قصد دارند با بین‌المللی معرفی کردن این منطقه شرارت‌های خود را توجیه کنند.
- فراتر از همه این موضوعات باید اشاره داشت که ایران باید در گذشته خیلی شدیدتر برخورد می‌کرد تا آمریکا اصلا و ابدا به‌خود جرأت ندهد که در قبال این منطقه اظهار نظر کند. حال که این فرصت فراهم آمده ایران دست به اعمال قدرت بزند باید آن را غنیمت بشماریم.

تنگه‌هرمز، مکمل موشک و مذاکره

محمدتقی نقدعلی، نماینده مجلس شورای اسلامی:

- امروزه معادلات دنیا بر اساس قدرت ترتیب می‌یابد و از این جهت دیگر چیزی تحت عنوان دلسوزی و شفقت در قبال کشورها نیست. به تعبیر بهتر این قدرت است که برای کشورها احترام و عزت می‌آورد.
- وقتی قدرت وجود داشته باشد، سایر قدرتمندان نیز مجبورند با کشور قوی وارد رابطه بشوند؛ یعنی وجود یک رابطه در قبال تأمین منافع کشورها دلیل اصلی نزدیکی یا دوری آنها از یکدیگر است.
- به‌طور مثال روسیه و چین از آن‌رو که ما کشور قدرتمندی هستیم و این موضوع موجب می‌شود که منافع آنان تأمین شود با ما وارد رابطه نزدیک می‌شوند.
- حال در دنیایی که در آن جهانخواری مثل آمریکا وجود دارد، ضعیف شدن ما یعنی طمع هرچه بیشتر آن برای بلعیدن منابع کشور.
- تنگه هرمز به‌دلیل آنکه یک گلوگاه مهم اقتصادی است یکی از ابزارهای قدرت در جهان شناسایی می‌شود. از دست رفتن آن برای ایران یعنی ما ابزار قدرت خود را از کف بدهیم.
- در کنار قدرت نظامی و دیپلماسی تنگه هرمز نیز یکی دیگر از اضلاع اقتدار ایران به شما می‌آید.
- بی‌شک اگر ما نسبت به تنگه عقب‌نشینی کنیم، دشمن گام‌های بعدی خود را در قبال تمامیت ارضی ایران برمی‌دارد و عزت و استقلال کشور را خدشه‌دار می‌کند.

کسانی می‌گویند «بدیم بره» که یک روز هم برای ایران خسته نشدند!

محمداسماعیل کوثری، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس:

- همه جهان شاهد بود که تا قبل از جنگ تحمیلی سوم، تنگه هرمز باز بود و امنیتش به‌دست ایران تأمین می‌شد اما این جنایتکاران قرن ۲۱ یعنی آمریکا و اسرائیل بودند که عامل بسته‌شدن آن شدند.
- حال که وضعیت به اینجا کشیده شده، نیاز است که اعمال حاکمیت بر آن به‌دست ایرانی‌ها باشد و جمهوری اسلامی ضوابط آن را مبتنی بر قانون خود و بعد قانون بین‌الملل مشخص نماید.
- کسانی که در این میان دهان خود را باز می‌کنند و در مورد تنگه هرمز می‌گویند «بدیم بره!» در اصل یک روز هم برای ایران و این مردم خستگی به‌خود راه ندادند و همینطور نسبت به واقعیت ایران بی‌خبر هستند.
- آمریکا بعد از ناکامی در رسیدن به اهداف کلان خود در قبال ایران نظیر تجزیه، براندازی و نابودی توان هسته‌ای کشور تمرکز خود را روی موضوع تنگه هرمز گذاشته تا از این رهگذر برای خود موفقیتی نمایان سازد.
- متأسفانه کسانی هستند که به‌دلیل خودباختگی‌شان نسبت به غرب و اساسا تعلق خاطری که به آمریکا و اروپا دارند حرف از تسلیم‌شدن در مورد موضوع تنگه هرمز می‌زنند.
- تنگه هرمز نخستین گامی است که آمریکا می‌خواهد با موفقیت در آن سایر اهداف شرورانه خود در قبال ایران را عملی سازد و حفظ آن از سوی ایران از این جهت حائز اهمیت است.

عربستان محاصره شد؛ خنجر یمنی روی گلوی عربستان

جنبش انصارالله یمن روز گذشته طی بیانیه‌ای رسما محاصره دریایی علیه عربستان سعودی را به‌دلیل تجاوزات هوایی اعلام کرد. بخش‌های مهم این بیانیه عبارت است از:

- نیروهای مسلح یمن ممنوعیت دریانوردی را علیه دشمن جنایتکار سعودی براساس معادله «محاصره در برابر محاصره» اعلام می‌دارند و این تصمیم از لحظه انتشار این بیانیه وارد فاز اجرایی می‌شود.
- ما بر حق ملت بزرگ خود در مقابله با «محاصره در برابر محاصره» و «تنش‌آفرینی همه‌جانبه در برابر تنش‌آفرینی همه جانبه» و تثبیت این معادله تأکید می‌کنیم.
- نیروهای مسلح یمن بر آمادگی کامل خود برای همه گزینه‌ها تأکید می‌کنند و هرگونه حماقتی که دشمن نادان سعودی از طریق تنش‌آفرینی همه‌جانبه مرتکب شود، به خواست و قدرت الهی، با پاسخی همه‌جانبه و سخت مواجه خواهد شد.
- از فرزندان ملت بزرگ خود می‌خواهیم که به بسیج عمومی، آماده‌باش سراسری، آمادگی کامل برای تمامی سناریوها و تحولات و نیز پشتیبانی از جبهه‌ها با اعزام رزمندگان ادامه دهند.

این بیانیه اهمیت زیادی دارد:

این نخستین بار است که یک گروه غیردولتی چنین اقدامی علیه عربستان انجام می‌دهد.

تغییر تاکتیک انصارالله از حملات موشکی و پهپادی به اهداف زمینی، به رویارویی مستقیم در دریای سرخ و تنگه باب‌المندب.

هدف اصلی مختل کردن تردد کشتی‌ها و تهدید اقتصاد نفت‌محور عربستان و امنیت انرژی جهانی است.

این اقدام، سطح تنش را از یک درگیری مرزی به عملیات محاصره‌ای تمام‌عیار ارتقا می‌دهد.

آمریکا در موقعیت دشواری قرار گرفته و با ورود مستقیم نظامی هزینه بالا خواهد رفت.

ایران بدون حضور مستقیم، از طریق متحد یمنی خود خط قرمزهای جدیدی ترسیم می‌کند.

این اتفاق باعث می‌شود جنگ از حالت نیابتی محدود به تقابل چندساحتی (دریا، هوا، اطلاعات) تغییر ماهیت دهد.

انصارالله نشان داده که برای تغییر معادلات منطقه، آماده پذیرش هزینه‌های بالاتر است.

چریک دیپلمات؛ یار و جانشین سنوار

حماس با اعلام رسمی خبر انتخاب خلیل‌الحیه به‌عنوان رئیس جدید دفتر سیاسی خود، صفحه جدیدی در تاریخ این جنبش گشود. این انتخاب که پس از یک دوره رهبری موقت و شهادت چند تن از سران کلیدی صورت می‌گیرد، نشان از تداوم ساختار سازمانی عمیق و انعطاف‌پذیر حماس در برابر فشارهای بیرونی دارد.

روند انتخاب و جانشینی

خلیل الحیه در یک رقابت نزدیک با ۳۵ رأی در برابر ۳۴ رأی خالدمشعل، رئیس اسبق دفتر سیاسی به پیروزی رسید. این انتخابات برای یافتن جانشین یحیی‌السنوار برگزار شد که بعد از هنیه رهبری حماس را برعهده داشت.

خلیل الحیه کیست؟ خلیل اسماعیل ابراهیم‌الحیه، متولد سال ۱۹۶۰ در غزه، یکی از چهره‌های باسابقه و استوانه‌های فکری حماس محسوب می‌شود. او دکتری خود را در رشته فقه اسلامی از دانشگاه قرآن و علوم اسلامی سودان دریافت کرده و از بنیانگذاران جنبش در جریان انتفاضه اول (۱۹۸۷) به‌شمار می‌رود. کارنامه سیاسی او فراز و نشیب‌های زیادی دارد. او ۳ سال از دهه ۱۹۹۰ را به اتهام فعالیت‌های ضدانقلابی در زندان‌های رژیم صهیونیستی سپری کرد، در سال ۲۰۰۶ به‌عنوان نماینده غزه به مجلس قانونگذاری فلسطین راه یافت و ریاست بلوک حماس در این مجلس را برعهده داشت. اما مهم‌تر از همه، نقش کلیدی او به‌عنوان رئیس هیأت مذاکره‌کننده حماس است.

الحیه در تمامی گفت‌وگوهای مهم آتش‌بس، از جمله مذاکرات قاهره در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ و همچنین مذاکرات حساس سال ۲۰۲۵ که به توافق آتش‌بس انجامید، حضوری پررنگ داشته است.

یادداشت

تولد نسل ظلم ستیز در غرب

ادامه از صفحه اول

همچنین این بیداری، فشار اجتماعی بر دولت‌ها و نهادهای سیاسی غربی را افزایش می‌دهد. دولت‌ها، هرچند ممکن است در کوتاه‌مدت به فشار افکار عمومی بی‌اعتنا باشند اما در بلندمدت نمی‌توانند از تغییرات عمیق در جامعه خود چشم بپوشند. اعتراض‌های دانشجویی، جنبش‌های مدنی، کمپین‌های مردمی و مطالبه‌گری عمومی، به‌تدریج تصمیم‌سازان را ناچار می‌کند نسبت به سیاست‌های تبعیض‌آمیز، حمایت از اشغالگری و مشارکت در جنگ‌افروزی پاسخگو باشند.

مهم‌تر آنکه نسل جدید غرب در حال بازتعریف مفهوم همبستگی انسانی است. در جهانی که مرزها، رسانه‌ها و منافع سیاسی تلاش می‌کنند انسان‌ها را از هم جدا کنند، جوانان بیدار غربی نشان داده‌اند که می‌توان از جغرافیا عبور کرد و با معیار وجدان، عدالت و حقیقت کنار مظلوم ایستاد. این همبستگی فراملی، یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌ها برای ساختن جهانی انسانی‌تر و عادلانه‌تر است.

با این حال، نباید تصور کرد که این مسیر، آسان و بی‌هزینه است. ساختارهای ظالم، به‌سادگی اجازه فروپاشی روایت‌های مسلط را نمی‌دهند. تخریب شخصیت فعالان، محدودسازی آزادی بیان، فشار بر دانشگاه‌ها، برچسب‌زنی به معترضان و امنیتی کردن مطالبه عدالت، بخشی از واکنش طبیعی نظام‌های سلطه‌محور به این بیداری است. اما تجربه نشان داده است که اگر یک تحول، ریشه در وجدان عمومی و آگاهی نسلی تازه داشته باشد، با سرکوب کامل از میان نمی‌رود بلکه در اشکال تازه‌تری بازتولید می‌شود. این پدیده، نشانه عبور تدریجی جهان از مرحله‌ای است که در آن قدرت، تنها معیار حقانیت بود. امروز نسلی در حال شکل دادن به افق تازه‌ای است که در آن، حقیقت را نه اتاق‌های فکر قدرت، بلکه وجدان‌های بیدار انسان‌ها تعیین می‌کنند. گسترش این آگاهی در بطن شبکه‌ای پایدار از کنش مدنی، فکری و رسانه‌ای، یکی از مهم‌ترین عوامل در تضعیف ساختار ظلم‌محور و زمینه‌سازی برای نظمی عادلانه‌تر در جهان خواهد بود.

به بیان روشن‌تر، آینده نظام حکمرانی غرب نه در اتاق‌های فکر امروزی دشمنان بلکه در دانشگاه‌ها، خیابان‌ها، شبکه‌های اجتماعی و ذهن جوانانی نوشته می‌شود که دیگر حاضر نیستند شریک سکوت در برابر اشغالگری و تجاوز باشند. این بیداری، شاید هنوز راهی طولانی در پیش داشته باشد اما بی‌تردید یکی از روشن‌ترین نشانه‌های تغییر واقعی به شمار می‌آید.

پی‌نوشت:

https://www.thecanary.co/global/2026/07/18/israel-vs-hamas-poll/

روایت خبر

اعتیادی به نام اپوزیسیون بودن

وابستگی بالای براندازان خارج‌نشین به بودجه‌های حمایتی آمریکا و رژیم صهیونیستی و کشورهای اروپایی موضوعی نیست که بر کسی پوشیده باشد. در واقع عامل اصلی ادامه فعالیت‌های ضدایرانی براندازان، آنطور که خود ادعا می‌کنند، نه آوردن آزادی و دمکراسی بلکه صرفاً گرفتن پول برای گذران زندگی است.

این واقعیت اخیراً توسط اشکان صفایی، خبرنگار شبکه اسرائیلی اینترنشنال به خوبی توضیح داده شده است. اشکان صفایی با اشاره به فعالیت بخشی از گروه‌های اپوزیسیون در خارج از کشور تصریح کرد که این افراد با مشکلی بزرگ روبه‌رو هستند که وی آن را نوعی «اعتیاد» می‌داند. او تأکید کرد که این اعتیاد نه به موادمخدر بلکه به «گرفتن فاند» یا همان بودجه‌های حمایتی و «اپوزیسیون‌بودن» است و این وابستگی را به مثابه سمی دانست که بخشی از این بدنه را در سال‌های گذشته مسموم کرده است. وی در ادامه خاطرنشان کرد که برای این گروه، دریافت بودجه عملاً به روش زندگی و راهی برای امرار معاش تبدیل شده است، به‌طوری که آنها تخصص یا مسیر دیگری برای ادامه زندگی خود بلد نیستند. صفایی به موضوع مهم دیگری هم اشاره دارد و آن عدم تمایل و برنامه این افراد برای بازگشت به ایران با مشارکت در حکومت احتمالی آینده است. او مدعی شد که این افراد می‌دانند در آینده سیاسی ایران (دست‌کم در کوتاه‌مدت) جایگاهی نخواهند داشت.

درس بازیکنان آرژانتین و اسپانیا به فغانی

مراسم اهدای کاپ قهرمانی به تیم ملی فوتبال اسپانیا برای ما ایرانی‌ها هم دلپذیر بود و هم رنج‌آور؛ دلپذیر از بابت قهرمانی تیمی که دولت و ملتش در جریان جنگ تحمیلی ۴۰ روزه پشت ایرانیان ایستادند و رنج‌آور از بابت رفتار سرد تعدادی از بازیکنان هر دو تیم با رئیس دولت تروریستی آمریکا و مقایسه آن با ذوق‌مرگی یک داور به ظاهر ایرانی. کریستیان کوتی رومرو و لیساندرو مارتینس ۲ ستاره تیم ملی آرژانتین در جریان مراسم اهدای مدال نایب‌قهرمانی، بدون دست‌دادن با ترامپ از مقابل او عبور کردند. نشریه «سان» دلیل این اقدام عمدی را عدم قبول سیاست‌های ترامپ توسط این دو بازیکن عنوان کرده است. این رفتار سرد برای ما ایرانی‌ها یادآور رفتار گرم علیرضا فغانی با ترامپ، در مراسم اهدای جوایز فینال جام باشگاه‌های جهان است که پارسال همین موقع‌ها برگزار شد. فغانی نه‌تنها با ترامپ دست داد بلکه کنارش ایستاد و لبخند زد و انگشت شستش را به نشانه رضایت، در چشم میلیون‌ها ایرانی فرو کرد؛ ایرانی‌هایی که چند هفته قبل‌تر از آن، در جریان جنگ ۱۲ روزه با بمب‌ها و موشک‌های ساخت آمریکا شهید و مجروح شده بودند.